



نوشته: کارن کلاگ
ترجمه: محمد محمدحسینی

انجمن‌های یادگیری

ژوئیه‌ماه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

اما در تجدید حیاتشان در الگوهای مختلفی توسعه یافته اند. انجمن‌های یادگیری به صورت آگاهانه برنامه‌های درسی را برای پیوند دانش‌آموزان و معلمان در دوره‌های مشترک، از نو سازمان دهی نمودند که اغلب شامل سمینارها و یا یک بخش رایزنی همالان می‌شد. به زعم گابلنیک، مک-گرگور، ماتیوس و اسمیت (ص ۱۹۹۰-۱۹) "انجمن یادگیری یکی از ساختارهای برنامه‌ی تحصیلی است که دوره‌های مختلف موجود را با هم پیوند می‌دهد و یا به صورت عملی تمام مواد برنامه‌ی درسی را سازمان دهی مجدد می‌کند؛ به نحوی که دانش‌آموزان، فرصت‌هایی را برای فهم عمیق‌تر و یکپارچه‌سازی آنچه که در حال

دانشکده‌ی دو ساله‌ای را در دانشگاه ویسکانسین پایه‌گذاری کرد. دانشجویان و اساتید این دانشکده در سال اول ادبیات، یونان را مورد مطالعه و بحث قرار می‌دادند و در سال دوم آن را با ادبیات معاصر آمریکا تطبیق می‌دادند. دانشجویان ملزم بودند با این ایده‌ها تعامل داشته‌و در تابستان بین سال اول و دوم، مقاله‌ای را در این زمینه به رشته‌ی تحریر در آورند. اگر چه این تلاش اولیه برای انجمن یادگیری، عمر کوتاهی داشت [فقط شش سال] اما بسترو شالوده‌ای را برای انجمن‌های یادگیری که ما می‌شناسیم فراهم کرد. اگر چه انجمن‌های یادگیری در شکل اولیه‌شان حدود هفتاد سال و در قالب یکی دو مدل ظاهر شدند،

در طی دو دهه‌ی اخیر، آموزش و پرورش متوسطه روی محیط‌های یادگیری سازنده، برای مشارکت دانش‌آموزان متمرکز شده است. مؤسسات آموزشی تلاش نموده‌اند تا راه‌هایی را برای مشارکت فعال دانش‌آموزان با معلمان و اساتید دانشکده بیابند و آنها را به ایجاد یک شبکه‌ی پشتیبانی، گروه‌های دوستانه، ارتباط و پیوند با مدارسشان تشویق نمایند. هم‌چنین این انجمن، در شکل‌های مختلف، از آموزش متوسطه در این رابطه، حمایت می‌نماید.

■ انجمن یادگیری چیست؟

سابقه‌ی انجمن یادگیری به سال ۱۹۲۷ برمی‌گردد؛ زمانی که الکساندر میکال جان،

یادگیری هستند، به دست آورند و تعامل بیشتری با یکدیگر و معلمانشان به عنوان شرکت کنندگان در سازمان یادگیرنده داشته باشند." گروه های یادگیری به دانش آموزان کمک می کنند تا دانش آموزان، کار علمی را با عمل پیوند داده و تعامل فکری را با یکدیگر و معلمانشان افزایش دهند. همچنین انجمن های یادگیری ارتباط میان دانش آموزان را ارتقاء بخشیده و یک احساس مشترک از هدف و اجتماع ایجاد می نمایند. الکساندر آستین (ص ۱۹۸۵-۱۶۱) و شرودر و می بل (ص ۱۹۹۴-۱۶۷) انجمن ها ی یادگیری را به عنوان " دسته های کوچکی از دانش آموزان تعریف می نمایند که با یک حس مشترک در مورد هدفه شناخته می شوند و این حس می تواند برای ساختن هویت، انسجام و یگانگی گروهی، تداوم و یکپارچگی برنامه ی تحصیلی و کمک درسی را تقویت نماید."

۱) الگوها

۵ الگوی اصلی در مورد انجمن های یادگیرنده وجود دارد. برخی مؤسسه ها دریافته اند که انتخاب یک الگوی واحد نمی تواند به اندازه ی استفاده از بخش ها و قسمت هایی از دو یا چند الگو سودمند باشد. هر مؤسسه ای هدف ها و مأموریت های خودش را داراست و می تواند انجمن های یادگیری را که با آن تناسب بیشتری دارد، طراحی نماید.

۱- دوره های پیوند: این الگو، گروهی از دانش آموزان را با دو دوره ی مشترک، پیوند می دهد. یکی از این دوره ها، محتوی محور است (مانند علوم و ریاضی) و دیگری یک دوره ی کاربردی است (مانند نوشتن و سخنرانی). اساتید ممکن است به طور مستقل و یا با یکدیگر تدریس نمایند و رؤس مطالب و تکالیف را به نحوی هماهنگ نمایند که کلاس ها با همدیگر برگزار شوند. الگوی دوره های پیوندی تجربه ای است مشترک، برای دانش آموزانی که بر روی یک دوره ی محتوی محور متمرکز شده اند و به وسیله ی یک دوره ی مهارتی حمایت می شوند.

دانشگاه واشنگتن یک دوره ی نگارش ملی معروف دارد که در آن دانشجویان یک دوره، نگارش توضیحی- تفسیری را که با یک دوره سخنرانی آموزش عمومی در ارتباط است، می گذرانند. دانشجویان می توانند بیش از ۲۷ دوره آموزش عمومی متفاوت را انتخاب نمایند. این اجتماع در داخل کلاس های کوچکی شکل می گیرد و دانشجویان در یک هویت مشترک در طی دوره ی آموزش عمومی، سهیم می شوند.

۲- خوشه های یادگیری: الگوی خوشه های یادگیری شبیه به الگوی دوره های پیوندی است با این تفاوت که بجای دو دوره ی پیوندی با هم، سه یا چهار دوره با یک گروه پیوند می خورد و اغلب بعنوان یک دوره ی کامل دانش آموزان مورد استفاده قرار می گیرد. اما در الگوی خوشه های یادگیری، درجه و میزان همکاری سه یا چهار استاد که با یکدیگر کار می کنند، وابسته به مؤسسه است؛ اما این درجه می تواند از رؤس مطالب مشترک، تکلیف های بهم پیوسته تا تدریس گروهی را شامل شود. اغلب خوشه های یادگیری شامل یک سمینار است که در آن دانش آموزان بصورت هفته ای یا دو هفته یکبار در مورد کار کلاسی به بحث می پردازند و در آموخته های همدیگر سهیم می شوند. هم چنین دانش آموزان در دانشگاه میشیگان غربی، برنامه ی کالج هونورز، حداقل چهار خوشه ی یادگیری را در هر نیم سال تحصیلی دارا می باشند. برخی از این نمونه ها شامل: طبیعت انسان (مقدمه ای بر علوم زیستی- دارویی، اندیشه و نگارش و روان شناسی عمومی)، تفکر و خط مشی ها (اندیشه و نگارش، اصول جامعه شناسی و مقدمه ای بر علوم سیاسی) و پردازش اطلاعات (نگارش خبری، ریاضیات با کاربردها و اصول جامعه شناسی)،

۳- گروه های تازه وارد علاقه مند: FIG (کالج سانی در منطقه ی بروک استونی دارای الگوی گروه های یادگیری بهم پیوسته برای دانشجویان سطح بالای رشته های روانشناسی و زیست شناسی که شامل ژنتیک عمومی، شفا

و جادوگری در تاریخ فلسفه و پزشکی و یک سمینار سه گانه ی معتبر جامعه و مسائل) الگوی گروه های تازه وارد علاقه مند، شبیه الگوی پیوندی می باشد؛ به این نحو که سه گروه از دانشجویان تازه وارد را با یک موضوع به یکدیگر پیوند می دهند. این الگو بخصوص برای دانشگاه های بزرگ مناسب است، زیرا بسیاری از این گروه ها هم زمان قابل تشکیل هستند. همچنین این گروه ها پیرامون انجمن های علمی پدید می آیند و جلسه ی توجیهی و آگاهی بخشی را توسط هم آآن شامل می شوند؛ جایی که افراد تازه وارد بتوانند جلسه ی بحث کاری داشته و مشکلات را با دانشکده انطباق دهند. از آنجا که این سمینارها به صورت هفتگی برگزار شده و بوسیله ی گروه هم آآن رهبری می شود، دانشکده و اساتید نقش کمی را ایفاء می کنند؛ اما این نقش می تواند در این الگو از طریق توجه به رویدادهای اجتماعی یا سمینارهای هفتگی گاه و بیگاه فعال شود.

دانشگاه اورگان الگوی گروه های جدید علاقه مند را بدون نیاز به کمک و ارشاد علمی ایجاد نموده و برقراری ارتباط ما بین افراد تازه وارد را در هر رشته ی اصلی بنا می نهد. دوره های انتخاب شده برای افراد تازه وارد، اغلب دوره های اساسی و اصلی برای یک رشته است که شامل آیین نگارش مختصر و دوره ی برقراری ارتباط می باشد. دانشجویان تازه وارد در دوره ی تابستانی، قبل از آنکه درسشان را در کالج شروع کنند، دعوت می شوند. برخی از مواد این دوره ها در دانشگاه اورگان شامل: مقدمات حقوق (دولت آمریکا، مبانی اخلاق و فلسفه، مبانی محاوره ی عمو می)، ارتباطات و روزنامه نگاری (ادبیات تطبیقی، فناوری و جامعه، مبانی ارتباطات گفتاری)، هنر و معماری (بررسی هنر های تجسمی، باغداری، محیط و فرهنگ انشاء انگلیسی) می باشد.

۴- الگوی گروه های یادگیری بهم پیوسته: این الگو، پیچیده ترین الگوی انجمن های یادگیری است؛ زیرا گروهی از دانشجویان سه دوره ی موضوع محور را به اضافه ی یک



سمینار معتبر که توسط یک استاد تدریس می شود، أخذ می کنند. این پروفیسور که از رشته ی تحصیلی متفاوتی است، عهده دار این دوره ها می شود و تمام نیازهای کلاس ها را در ارتباط با دانشجویان بر آورده می سازد. سپس سمینار را هدایت کرده و به دانشجویان در ترکیب و توضیح آراء و نظرهای شرکت کنندگان کمک می کند. اساتید دانشکده در این الگو، از سایر مسئولیت های تدریس معاف هستند .

۵- الگوی مطالعات هماهنگ: در الگوی مطالعات هماهنگ، اساتید و دانشجویان در یک فرآیند یادگیری فعال و تمام وقت، مبتنی بر یک موضوع بین رشته ای، مشارکت می نمایند. این برنامه ی درسی می تواند، آخرین فعالیت در یک سال باشد و اساتید فرصتی می یابند تا مجدداً برنامه ی درسی کاملی را طراحی کنند که رشد حرفه ای چشم گیری را برای آنها فراهم می کند. مطالعات هماهنگ در هر نیم سال تحصیلی، شانزده جزء است که تدریس آن بصورت گروهی از اساتید مختلف دانشکده، هر هفته در مجموعه ای از بلوک ها صورت می گیرد.

این انجمن های یادگیری، موضوعی هستند و می توانند در حوزه ای وسیع یا محدود انجام شوند. این الگو نزدیک ترین مدل به الگوی میکال جان است. کالج ایالتی اورگرین از الگوی مطالعات هماهنگ و موضوعاتی این چنین استفاده می کند: تحقیقات (با تاکید بر انسان شناسی و بررسی مراحل رشد)، بازتاب های طبیعت (تاکید بیشتر بر هنرهای بصری ، فیزیک، زیست شناسی، ادبیات و علوم رایانه) و کسانی که مبانی علم را متحول ساخته اند نظیر: دیکنز، داروین، و مارکس [کلاس ها در این بخش بیشتر بر انشاء انگلیسی، انسان شناسی فیزیکی - ریخت شناسی - ، تاریخ علم و اقتصاد تاکید دارند.]

مزایای انجمن های یادگیری

فواید انجمن های یادگیری برای دانشجویان متعدد است اما این موضوع محدود به دانشجویان نشده و اساتید و تمام مؤسسه را در بر می گیرد. دانشجویانی که در انجمن های یادگیری مشارکت نموده اند افزایش موفقیت تحصیلی، حافظه، انگیزش، رشد فکری و

ذهنی، یادگیری، مشارکت و جمع گرایی را از خود نشان می دهند. همچنین انجمن های یادگیری دیدگاه های مثبت مؤسسه را تقویت می نمایند. اساتیدی که در انجمن های یادگیری تدریس کرده اند اظهار داشته اند که سرشار از انرژی شده اند و احساس توانمندی می کنند. آنها احساس می کنند که اگر نظراتشان ارزشمند باشد و تدریشان غنی شود، تجربه به آنها این اجازه را می دهد که خلاق باشند و تعهد وفاداریشان به مؤسسه افزایش یابد. مؤسسه ها گزارش می کنند که انجمن های یادگیری عناصر مختلفی را با یکدیگر ترسیم نموده اند تا به سوی یک هدف مشترک، که تمام محیط دانشکده را اصلاح کند ، حرکت نمایند. انجمن های یادگیری ثابت کرده اند که می توانند یک راه حل عملی برای مسائل کهنه و پیچیده ی آموزشی باشند.